حق با اخلاق است

سخنان حجت‌الاسلام سید محمدعلی ایازی در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان در کانون بعثت اخلاق

عکس: مهدیه غفوریان | شهرآرا

گزارش

امیری| جایگاه اخلاق در دین به‌ویژه در شریعت، محور سخنان سید محمدعلی ایازی، قرآن‌پژوه معاصر، بود که در مراسم شب قدر هم‌زمان با شب نوزدهم ماه مبارک رمضان در کانون بعثت اخلاق بیان شد. در این مراسم که رئیس شورای شهر، شهردار مشهد و جمعی از چهره‌های سیاسی و فرهنگی شهر نیز حضور داشتند، حجت‌الاسلام ایازی به بیان نسبت میان معارف یعنی عقاید، اخلاق و احکام پرداخت و در طول مراسم این موضوع را برای حاضران روشن کرد که کدام‌یک از این‌ها اصل هستند و کدام فرع.

اخلاقیات، گوهر دین

استادیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی در ابتدای سخنانش به کتاب «جواهرالقرآن» ابوحامد غزالی گریزی زد که موضوعات قرآن را به موضوعاتی اصلی و فرعی تقسیم کرده است. به گفته این قرآن‌پژوه، حتی عده‌ای از عالمان آیات را به ۲ دسته آیات افضل و آیات فاضل تقسیم‌بندی کرده‌اند و این موضوع در خود قرآن هم مشهود است، به‌گونه‌ای که در آیه ۷ سوره آل‌عمران سخن از آیات محکم و آیات متشابه به میان آمده است.

ایازی با بیان اینکه فقیهان و متکلمان بیشتر روی آیات اعتقادی تکیه دارند و به ظاهر دین توجه می‌کنند موضوع را از زاویه‌ای دیگر بررسی کرد: مدعای من این است که اخلاق پایه دین است. گرچه امروز در تصور عمومی و جامعه دینی بیشتر به شریعت توجه می‌شود و یا از احکام و صورت احکام صحبت می‌کنند اما به‌نظر من فقه، خادم اخلاق است. حتی آیات اعتقادی در راستای به ثمر رساندن اخلاقیات آمده‌اند. به باور من گوهر دین در رسیدن به اخلاقیات پدیدار می‌شود. جامعه‌ای که در آن شریعت رعایت شود اما اخلاقیات نمود نداشته باشد، دینی نیست، بلکه جامعه وقتی می‌تواند دینی و انسانی باشد که اخلاق در آن اولویت داشته باشد، چراکه رشد، تکامل و توسعه انسانی در سایه اخلاق ایجاد می‌شود.

به گفته حجت‌الاسلام ایازی گرچه هنوز نظریه‌پردازی جدی روی موضوع مطالعاتی‌اش صورت نگرفته است اما جزو دغدغه‌های متفکران معاصر در دهه‌های اخیر بوده است: به نظر استاد مطهری عدالت، اصل حاکم بر فقه است. یعنی در اعتقادات اگر چیزی تفسیر کردیم که خلاف عدالت بود، معلوم می‌شود تفسیر ما غلط بوده است. استدلالش هم این است که عدالت به عنوان یک اصل اخلاقی در سلسله علل قرار دارد.

ایازی برای روشن شدن ابعاد موضوع درباره مفهوم اخلاق، آموزه‌های اخلاقی و شریعت توضیحاتی داد و پس از نشان دادن جایگاهشان به بیان تعارض‌های میان آن‌ها پرداخت.

او در ابتدا تعریفی از اخلاق ارائه داد و سپس آن را دسته‌بندی کرد: اخلاق به معنای آراستگی انسان به فضائل و دور شدن از زشتی‌ها و بدی‌هاست. اخلاق با این تعریف در حوزه فردی و اجتماعی بحث می‌کند. در حوزه فردی مثلا می‌توانیم بگوییم کسی که خویشتن‌دار و بردبار است اخلاق دارد. در حقیقت چنان‌که بر اساس سلامت اجزای بدن انسان می‌توانیم تعریفی از سلامت جسمانی او داشته باشیم باید بگوییم از نظر معنوی نیز انسانی سالم است که دارای فضائل و روحیاتی متوازن باشد. چنین انسانی مغرور نیست، اهل گذشت است، انسانی پویا و تلاشگر است، نامنظم نیست و... . همین شب‌های قدر نمونه خوبی است برای اینکه بگوییم انسان می‌آید تا برنامه‌ای منظم برای یک سالش ببندد. برای اینکه فکر کند می‌خواهد چه کند؟ و این‌ها در حوزه اخلاق فردی قرار می‌گیرند. در حوزه اجتماعی نیز بخشی از اخلاق به اخلاق فردی برمی‌گردد و بخشی به اوضاع و احوال اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه؛ مثلا وقتی درباره درگیری‌های بین انسان‌ها می‌شنویم باید به این نکته توجه کنیم که بخشی از آن معضل به شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی مربوط است و بخشی هم با رعایت نکردن اخلاقیات فردی به وجود می‌آید. از زاویه‌ای دیگر انسان‌هایی که اهل گذشت و ایثار باشند، ثروت، راحتی و آرامش خودشان را در اختیار خانواده و یا جامعه قرار دهند اخلاق اجتماعی را رعایت کرده‌اند؛ بنابراین آن مدیری که تلفنش را خاموش می‌کند تا پاسخ دیگران را ندهد از این اخلاق اجتماعی بهره‌ای نبرده است.

بر اساس سخنان این قرآن‌پژوه مرتبه بالاتر اخلاق اجتماعی اخلاق سیاسی است. به گفته ایازی مدیران و مسئولان جامعه وقتی مخالف خودشان را به رسمیت می‌شناسند به آن معناست که فضیلت اخلاقی دارند: اگر مدیری بر مخالف خود درود فرستاد یعنی فضیلت اخلاقی را در خودش و تشکیلاتش به وجود آورده است، اما مدیری که می‌گوید من مخالف خودم را نمی‌شناسم، اخلاق سیاسی را رعایت نمی‌کند؛ برای همین است که امروز احزاب برای هم تهدید هستند و نه فرصت.

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اخلاق سیاسی امیرالمؤمنین(ع) اظهار کرد: در حد اطلاعات خودم حاکمی را سراغ ندارم که در خطبه‌های نماز از مردم خواهش کند تا از او انتقاد کنند و به مردم گوشزد کند آن انتقاد افزون بر آنکه حق آن‌هاست، باید انجام شود.

شریعت نقطه مقابل اخلاق

این قرآن‌پژوه در ادامه ۴ دسته احکام تکلیف، احکام حقوقی، احکام کیفری و احکام اخلاقی را نام برد و یادآور شد هرکدام از آن‌ها جنبه‌های فردی و اجتماعی خودشان را دارند.

ایازی در پاسخ به این سؤال که اکنون کدام‌یک از این حوزه معارف یعنی شریعت و اخلاق اهمیت بیشتری دارند به متون دینی و قرآن اشاره و تصریح کرد: قرآن کریم در آیات فراوانی صریحا و تلویحا از اخلاق در حکم سخن می‌گوید. به گفته ایازی در حقیقت این ارجح بودن زمانی مطرح می‌شود که شریعت و اخلاق در تعارض با هم قرار می‌گیرند: یک جاهایی هست که از طرفی حقوق افراد مطرح می‌شود و تکالیفی که نسبت به هم دارند و از سوی دیگر موضوع اخلاق و گذشت پیش کشیده می‌شود. در اینجا با ترجیح دادن اخلاق می‌توان مشکل را حل کرد. در حوزه حقوق شهروندی هم این مسئله بسیار پیش می‌آید که باید بتوانیم تشخیص دهیم در آن موقعیت کدام اصل است و کدام فرع؛ همچنین در یک جامعه باید تشخیص دهیم که نگاه فقیهانه به حکومت داشته باشیم یا نگاه اخلاقی. یک جامعه شریعتمدار را بپسندیم یا جامعه‌ای اخلاقی؛ این در حالی است که باید به این نکته توجه کنیم که جامعه شریعتمدار دنبال نتیجه نیست اما غایت جامعه اخلاقی ارزشمند است.

حق با اخلاق است

حجت‌الاسلام ایازی در پایان و پس از بیان مصداق‌هایی از قرآن کریم سخنانش را جمع‌بندی کرد: در حوزه دین، اجتماع، برنامه‌ریزی و حقوق شهروندی انسان باید یک نوع گرایش اخلاقی آگاهانه را انتخاب کند؛ به طور کلی در نسبت میان آموزه‌های دینی، اصل و اساس با اخلاق است و اگر جایی بین شریعت و اخلاق تعارض به وجود آمد، حق با اخلاق است.

علی‌اصغر سیدآبادی نویسنده و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان:
فکر می‌کنم یکی از مشکلات ادبیات کودک در ایران این است که دولت اعم از قوه مجریه و نهادهای عمومی و حاکمیتی بیش از حد در آن مداخله دارند. بخش زیادی از کتاب‌ها را ناشران دولتی منتشر می‌کنند و در بخش دیگری نهادها و کتابخانه‌های دولتی با خریدهای عمده در بازار کتاب مداخله می‌کنند.

بررسی آمریکاستیزی در دانشگاه فردوسی

مناظره میان صادق زیباکلام و حسین دهباشی در مشهد برگزار شد

عکس: احمد حسنی | شهرآرا

مناظره

گروه ادبیات و اندیشه| بحث آمریکاستیزی و ایجاد رابطه با این کشور موضوع تازه‌ای نیست. شخصیت‌های سیاسی و دانشگاهی زیادی در دو جبهه مخالف و موافق تاکنون بحث‌ها و مناظره‌های زیادی در این خصوص داشته‌اند. روز گذشته انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی نیز با برپایی مناظره‌ای با عنوان «بررسی روابط میان ایران و آمریکا، گذشته، حال، آینده» میان دکتر صادق زیباکلام، استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران، و دکتر حسین دهباشی، تاریخ‌پژوه و مستندساز، بار دیگر به این موضوع پرداخت. بخش‌هایی از این مناظره را می‌توانید در ادامه بخوانید.

یکی از منافع آمریکاستیزی را نام ببرید

صادق زیباکلام صحبت خود را با جمله‌ای آشنا و تکراری شروع کرد: اگر کسی از من بپرسد کدام پدیده سیاسی ظرف ۴۰ سال گذشته بیشترین تأثیر و نقش را در جامعه ایران داشته است و من مجبور باشم فقط یک مورد را انتخاب کنم، قطعا آن یک مورد پدیده آمریکاستیزی است که چند ماه پس از انقلاب شکل گرفت و ظهور کرد و تا امروز هم ادامه پیدا کرده است. او در ادامه اتفاق‌های مهمی که کشورمان را تحت تأثیر قرار داده مانند جنگ تحمیلی و هزینه‌های فراوانی که برای مسئله هسته‌ای شده است را متأثر از آمریکاستیزی دانست و یادآور شد: هیچ جنبه مهمی از ایران بعد از انقلاب را نمی‌توانید پیدا کنید که تحت تأثیر آمریکاستیزی نبوده باشد. او بخش اول صحبت‌هایش را با جمله‌هایی که بارها از او در این باره شنیده یا خوانده‌ایم خاتمه داد: من در بحث‌هایی که با دوستان اصول‌گرا در دانشگاه‌ها داشته‌ام این سؤال را مطرح کرده‌ام که شما یک مورد نشان بدهید که آمریکاستیزی و اصرار بر دشمنی یک نفع برای منافع ملی ایران داشته است. اما من در مقابل برای شما یک دوجین مثال می‌آورم که اصرار بر آمریکاستیزی چه نتایجی داشته‌است.

پدیده آمریکاستیزی

نوبت به حسین دهباشی رسید و او با نگاهی تاریخی به صحبت‌های زیباکلام پاسخ داد و تأکید کرد که پدیده آمریکاستیزی فقط مربوط به ۴۰ سال گذشته نیست. او گفت: اگرچه نه در این سطح، در سال‌های پیش از انقلاب هم شاهد پدیده آمریکاستیزی بوده‌ایم. شاخصه آن هم نفرتی است که وجود داشت، و ترور مستشاران یا کارکنان سفارت آمریکا در ایران از سوی گروه‌های چریکی تجلی آن بود.

او سپس با اشاره به سؤال تکراری و بی‌جواب‌مانده صادق زیباکلام در مورد نفع آمریکاستیزی گفت که این سؤال پاسخی یک کلمه‌ای ندارد و باید از منظری دیگر به ماجرا نگاه کرد، و بیان کرد: از منظر تاریخی و برعکس به این پرسش پاسخ می‌دهم که عدم ستیز، رابطه معمولی و گرم با ایالات متحده چه خاطره‌ای در ذهن ما ایجاد کرده است که قبل و بعد از انقلاب همیشه مقاومتی داشته‌ایم.

او سپس روح تعدادی از شخصیت‌های مهم تاریخی را به تالار فارابی دانشکده اقتصاد دانشگاه فردوسی فراخواند تا نظر آن‌ها را در مورد رابطه با اعتماد به دولتمردان آمریکایی بپرسد. او از دکتر محمد مصدق، دکتر علی امینی، محمدرضا پهلوی و فرماندهان ارتش پرسید که تجربه تعاملشان با آمریکا چه بوده است و به طور فرضی پاسخ آن‌ها را مطرح کرد که همه از اتفاق‌های تلخی که برایشان افتاده است گفتند. از کودتای ۲۸ مرداد که دولت مصدق را سرنگون کرد تا اجازه بستری شدن ندادن به شاه بیمار در بیمارستانی در نیویورک.

برای آزادی و حاکمیت قانون انقلاب کردیم

بخش دوم صحبت‌های زیباکلام باز با سؤال شروع شد: «دلیل جمهوری اسلامی برای دشمنی با آمریکا چیست؟» و در پاسخ گفت: ۲ دسته دلیل مطرح می‌شود. دسته اول آن است که اساسا استکبارستیزی و آمریکاستیزی بخشی از ذات و جزو اهداف و آرمان‌ها و شرح وظایف انقلاب اسلامی بوده است. دسته دوم خیلی کاری به اهداف و آرمان‌های استکبارستیزی ندارد و می‌گوید آمریکایی‌ها در ایران منافعی داشتند که در نتیجه انقلاب اسلامی این جایگاه را از دست دادند و دیدند دیگر نمی‌توانند با ما مثل مستعمره رفتار کنند. بنابراین شروع کردند علیه ما دشمنی کردن. در مورد اولی که می‌گویند استکبارستیزی و آمریکاستیزی از آرمان‌های انقلاب بوده است، پاسخش این است: خیر. این یک دروغ بزرگ است که تکرار شده است. می‌پرسید: پس مردم به چه معترض بودند و انقلاب اسلامی برای چه بود و چه می‌خواستیم؟ ما انتخابات آزاد می‌خواستیم. ما حاکمیت قانون می‌خواستیم. ما نبود زندانی سیاسی می‌خواستیم. ما آزاد بودن تشکل‌های صنفی و کارگری را می‌خواستیم. دلیل این حرف‌هایم چیست؟ نگاهی به مطبوعات سال‌های ۵۷، ۵۸ و ۵۹ بیندازید و ببینید داستان انقلاب چه بوده است و برای چه پدران و مادران شما انقلاب کردند. آنجا هست. از آن روشن‌تر مصاحبه‌های امام خمینی با روزنامه‌نگاران روزنامه‌های مختلف جهان است. امام حدود ۳ ماه و اندی در نوفل‌لوشاتوی پاریس بودند. در این مدت صدها روزنامه‌نگار آمدند با امام مصاحبه کردند، و اصلی‌ترین سؤال این بوده که «درد مردم ایران چیست؟ چرا شما مخالف رژیم شاه هستید؟». امام بیش از ۱۲۰ مصاحبه در پاریس انجام داده و با عنوان مصاحبه‌های امام در نوفل‌لوشاتو چاپ شده است. بروید ببینید چند بار امام گفته است مشکل اصلی ما آمریکاست. تنها گلایه امام از آمریکا این بوده است که مگر رئیس جمهور آمریکا نمی‌بیند مردم ایران علیه شاه هستند.

آرمان‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند

دهباشی به سؤال اولی که زیباکلام در این بخش مطرح کرده بود نقبی زد و گفت: آیا سخن ایشان در مورد اینکه تنها کشور دنیا که با ایالات متحده مشکل دارد جمهوری اسلامی است سخن دقیقی است؟ یک نگاه به همسایگانمان بکنیم. اردن، سوریه، عراق، لبنان، افغانستان، پاکستان، هند و این اواخر چین. از شمال آفریقا از مغرب، مصر و تونس تا آفریقای جنوبی و همین‌طور کشورهای اروپایی. در تمام این سال‌ها هر بار که یک مقام آمریکایی از این کشورها بازدید کرده است، چقدر مردم این کشورها به آمریکایی‌ها خوشامد گفته‌اند؟ بله، جنس ستیز متفاوت است ولی به نظرم داریم کمی ماجرا را به ایران تقلیل می‌دهیم.

او در ادامه حرف‌های استاد موسفیدکرده علوم سیاسی را در مورد نبود شعار آمریکاستیزی در آرمان‌های سال‌های منتهی به انقلاب تأیید کرد و ادامه داد: اما آیا این اشکال دارد؟ ما مثل هر جامعه دیگری پویا هستیم. آیا تنها اتفاق و شعاری که تغییر کرده و اضافه یا کم شد شعار آمریکاستیزی بوده است؟ بعضی از شعارهایی که آن موقع می‌دادیم امروز برای ما مهم نیست و بعضی شعارهایی که آن روز نمی‌دادیم امروز برایمان شعار است. ما در سال‌های ابتدای انقلاب بحثی جدی داشتیم به اسم توزیع ثروت از جنس اینکه برویم مال سرمایه‌دار را که حقش نیست بگیریم و مصادره کنیم و توزیع کنیم. امروز در سال ۹۸ کمتر کسی موافق این رویکرد است. جامعه از اعدام آقای نیک‌پی، شهردار تهران در زمان پهلوی، به دلیل آلودگی هوا و معضل ترافیک خشنود بود. این‌طور نبوده است که آقای خلخالی برود و سرخود یک عده را در پشت بام مدرسه رفاه یا جاهای دیگر اعدام کنند. جامعه می‌طلبید.

این تاریخ‌پژوه که با پروژه خشت خام و مصاحبه‌های مهمی که با شخصیت‌های تأثیرگذار قبل و بعد از انقلاب انجام داده است در بین مردم شناخته‌شده است در ادامه صحبتش به کژرفتاری‌های دولتمردان آمریکایی در مقابل حسن نیت حکومت ایران اشاره کرد و گفت: آیا دشمنی با آمریکا تماما امری خودخواسته از طرف ایرانیان یا دولت جمهوری اسلامی بوده است؟ ما با آمریکایی‌ها تنش‌زدایی نکردیم؟ آیا این‌گونه نبوده است که در سال ۱۹۹۱ آقای ولایتی به دنبال این بود که تمام گروگان‌های غربی که در لبنان بودند آزاد شوند؟ وقتی در دولت آقای سید محمد خاتمی ایران نهایت همکاری را با آمریکا در حمله به افغانستان کرد و آسمان کشور برای پروازهای آمریکایی باز بود که بروند بمباران کنند، چه تصوری در ایران وجود داشت جز اینکه ما داریم مسائل را حل می‌کنیم؟ پاسخ آمریکایی‌ها این بود که ۱۰ روز پس از این ماجرا ۳ کشوری را که ربطی به هم نداشتند تحت عنوان محور شرارت نام بردند و پاسخ آغوش گرم ایران را با ستیز دادند. آقای محمود احمدی‌نژاد جز این بود که تمایل خودش را برای مذاکره با آمریکایی‌ها اعلام کرد؟ آقای دکتر روحانی که امروز مواضعش بعضا از مواضع اصول‌گرایان تندتر شده است در ابتدای ریاست جمهوری‌اش با چه موضعی با آمریکایی‌ها برخورد کرد؟ جز موضع احترام و تعامل و اینکه نشست مذاکره کرد و قرار و مدار گذاشتیم؟

ترامپ ایران را تهدید کرد، نه جمهوری اسلامی را

او سپس به بدعهدی آمریکا در ماجرای برجام اشاره کرد و یادآور شد: بسیاری از افراد در علل به سرانجام نرسیدن برجام می‌گویند: این چه رابطه‌ای است که دولت می‌آید مذاکره می‌کند و سپاه روی موشکش به زبان عبری می‌نویسد اسرائیل باید از بین برود؟ مگر آمریکایی‌ها تأکید نکردند آنچه در مورد برجام صحبت می‌کنیم صرفا در مورد مسائل هسته‌ای است و هیچ چیز دیگری از ایران نخواهند؟ اگر این است، چرا باید طرف مقابل دعوایش با اسرائیل را روی میز بگذارد؟ از آن گذشته، ۱۹ اسفند ۱۳۹۴ سپاه موشکی شلیک می‌کند، اما فراموش کردیم که در ۱۱ اسفند ۱۳۹۴ اسرائیل ۲ پایگاه ایران را در لاذقیه سوریه بمباران می‌کند و تعدادی از هم‌وطنان ما را می‌کشد. آنچه بر آن اصرار دارم این است که وقتی در مورد تاریخ صحبت می‌کنیم، با بزرگ و کوچک کردن یک یا ۲ اتفاق ماجرا را به سمت و سویی جهت ندهیم که مورد تقاضای خودمان است.

آن یار که عاشق جمالش شده‌ام*

نگاهی به سریال تاریخی امام‌علی(ع) که سریال‌سازی در تلویزیون را دگرگون کرد

گروه هنر| هنوز در بسیاری از خانه‌ها و روی طاقچه‌ها تلویزیون سیاه‌وسفید یافت می‌شد. هنوز تلویزیون‌های رنگی با آن لامپ‌های تصویری بزرگشان همه خانه‌ها را فتح نکرده بود که تصاویر سریال «امام‌علی(ع)» در میانه‌های دهه ۷۰ بینندگان شبکه یک سیما را مبهوت خود کرد. جمعه‌شب‌ها، هر جا که بودیم، خودمان را به خانه می‌رساندیم تا بتوانیم به تماشای این سریال بنشینیم و خیلی‌هایمان بازپخش آن را هم می‌دیدیم. به‌جرئت می‌توان گفت امام‌علی(ع)، ساخته داوود میرباقری، یکی از پنج سریال پرمخاطب سیماست که بعد از انقلاب تولید شده است. حتی در مواقعی -با لحاظ شرایط زمان تولید که اوایل دهه ۷۰ است- می‌توان آن را در صدر تولیدات سریالی و حتی سینمایی تلویزیون ملی نشاند. هنوز که هنوز است، بعد از گذشت بیش از ۲۰ سال از پخش امام‌علی(ع)، دوباره که به تماشایش می‌نشینیم، حیرت‌زده می‌شویم.

یکه‌تاز تاریخی‌ساز

تولید سریال امام‌علی(ع) بعد از تولید سریال‌هایی همچون «سربداران» و «سلطان و شبان»، سریال‌سازی سیما را پیش انداخت و توقع مخاطب را از سریال‌سازی بالا برد. داوود میرباقری در همان قسمت نخست، مخاطب را با کارگردانی، بازی‌گردانی، جلوه‌های ویژه تصویری، فیلم‌نامه و... مبهوت و حجت را بر همه تمام کرد. حضور شگفت‌انگیز «ساحر یهودی» با آن گریم متفاوتش، همان دقایق اول مخاطب را خبردار کرد که با فیلمی روبه‌روست که نه قبل از این دیده است و نه بعد از این خواهد دید. به‌نظر، سازنده این سریال به نحوی با سوژه‌اش رفتار کرد که بعد از ۲۰ سال هنوز کسی نتوانسته است نیت کند دوباره فیلمی در این سطح درباره زندگی امام اول شیعیان بسازد، تاجایی که هنوز هم تلویزیون به مناسبت‌های مختلف، نسخه‌های تله‌فیلم (سینمایی) از آن را تدوین و پخش می‌کند.

قبل از میرباقری، کارگردانان بی‌شماری سعی کردند با افزودن میزانسن‌های تئاتری به فیلم‌هایشان، آن‌ها را از بازی‌های بی‌روح تلویزیونی خارج کنند اما آن‌ها هم در دام بازی‌های تئاتری گرفتار آمدند و تلویزیون را به بازی‌های صحنه‌ای مبتلا کردند اما میرباقری توفیق یافت بازی‌های تلویزیون را از حالت اغراق‌آمیز تئاتری‌اش به بازی‌های سینمایی ارتقا دهد، حتی در دکور، گریم، دیالوگ‌نویسی و ده‌ها ریزه‌کاری دیگر در ساخت سریال، تلویزیون پیشرفت کرد. میرباقری سال‌های بعد از امام‌علی(ع)، علاقه خود به تولید فیلم‌های مذهبی را رها نکرد و با سریال «مختارنامه» ثابت کرد که مرد درجه‌یک تولید سریال‌های تاریخی در ایران است و اکنون هم روی صندلی کارگردانی سریال «سلمان فارسی» -که ساختش به آرزوی میرباقری تبدیل شده بود- نشسته است.

میرباقری در فاصله بین تولید «امام‌علی(ع)» و «مختارنامه»، فیلم‌ها و سریال‌های بی‌شماری برای تلویزیون و شبکه خانگی ساخت اما در میان تاریخی‌ها هیچ‌کدام در قدوقواره این دو نبودند؛ گرچه در میان آن‌ها «مسافر ری» و «معصومیت از دست‌رفته» یک سروگردن بالاتر هستند.

پشتوانه مستحکم تاریخی

میرباقری که خود نویسنده فیلم‌نامه سریال امام‌علی(ع) هم هست، طرح اولیه آن را بر پایه خطبه معروف «شقشقیه» نهج‌البلاغه نگاشته است و بعد از چندبار بازنویسی به فیلم‌نامه نهایی که ساخته شد، دست یافت و سال ۱۳۷۳ با حضور ده‌ها بازیگر اصلی و هزاران هنرور کلید خورد. «امام علی بن ابیطالب» عبدالفتاح عبدالمقصود، «الکامل فی التاریخ» ابن‌اثیر، «تاریخ طبری» محمدبن‌جریر طبری و ده‌ها منبع دیگر از این دست، پشتوانه‌های علمی و تحقیقاتی این سریال بودند. میرباقری سوژه‌هایش را در لابه‌لای ورق‌های تاریخ و سیر مطالعاتی گسترده‌ای که داشته است، می‌یابد اما آنچه به شگرد او در نگارش فیلم‌نامه تبدیل شده است، «روایت غیرمستقیم» است. اگر نگاهی اجمالی به طرح یک‌خطی آثاری که میرباقری آن‌ها را تولید کرده است بیندازیم، به این روایت غیرمستقیم پی خواهیم برد. او در امام‌علی(ع) که هدفش روایت بخشی از زندگی مولای متقیان بوده است، «ولیدبن‌عُقبه» با بازی محمدرضا شریفی‌نیا و در ادامه «مالک اشتر نخعی» با بازی داریوش ارجمند را شخصیت اصلی و محوری داستان قرار داد و حوادث و اتفاقات سال پایانی خلافت خلیفه سوم را تا شهادت امیرالمومنین علی(ع) به شیوه‌ای هنرمندانه روایت کرد.

۲ نقش ماندگار

حتما بازی برادران ارجمند، دو بازیگر مشهدی، را در این سریال به خاطر دارید. مرحوم انوشیروان در «نقش اشعث‌بن‌قیس» و داریوش ارجمند در نقش ماندگار مالک اشتر نقش آفریدند که سال‌های بعد از آن، همچنان رد و پی بازی‌هایشان در آثار جدیدشان پیدا بود. هرچند داریوش ارجمند در مسافر ری در ذهن‌ها مانا نشد، انوشیروان ارجمند توانست توانمندی خود را در شخصیت‌سازی در نقش «رفاعه‌بن‌شداد» در سریال مختارنامه به رخ همگان بکشد.

از توانمندی‌های بازیگری این دو هنرمند سینما و تلویزیون ایرانی که بگذریم، نقش میرباقری در کسوت نویسنده و کارگردان، در پرداخت شخصیت‌ها، دیگر عاملی است که این نقش‌ها را ماندگار کرده است، تاجایی که رد پای مالک اشتر سریال امام‌علی در «ابراهیم‌بن‌مالک‌اشتر» مختارنامه هم دیده می‌شود که این‌ها باز هم اشراف تاریخی و توانایی هنری میرباقری را به ثبوت می‌رساند.

خاطرات به‌جامانده

سریال امام‌علی(ع) برای بسیاری از بازیگرانش، موقعیتی ساخت تا یکی از نقش‌های خوب دوران زندگی‌شان را بازی کنند و همچنین باعث شد بسیاری با حضور در آن، در دنیای بازیگری دیده و به سینما و تلویزیون معرفی شوند. ویشکا آسایش یکی از این افراد است. او با ایفای نقش قطام در سریال امام‌علی(ع)، اولین تجربه بازیگری‌اش در سینما و تلویزیون را پشت سر گذاشت. کاراکتر، گریم متفاوت و صدای دوبله‌شده او باعث شده بود عده زیادی از مردم تا مدت‌ها ندانند که آسایش، همان ایفاگر نقش قطام است. او در یکی از گفت‌وگوهایش درباره این نقش گفته است: «هیچ چیزی جای قطام را برای من نمی‌گیرد؛ چون اولین کارم بوده است و یک نوع ابهت و درس برایم دارد؛ برای همین نمی‌توانم آن را با بقیه کارهایم مقایسه کنم.»

سریال «امام‌علی(ع)» با ۲۶۹ میلیون تومان ساخته شد. با احتساب ارزش ریال امروز تنها چیزی نزدیک به ۱۰ میلیارد تومان می‌شود

کریم اکبری‌مبارکه، دیگر بازیگری است که با وجود کارهای بسیار در عرصه تئاتر و تلویزیون تا پیش از سریال امام‌علی(ع) آن چنان که باید، دیده نشده بود. او برای حضور در این سریال، بازی در نقش ابن‌ملجم مرادی، قاتل امام‌علی(ع)، را پذیرفت. مبارکه در یکی از مصاحبه‌های خود به فارس گفته بود مادرش از اینکه او بازی در این نقش را پذیرفته، ناراحت شده و به او گفته است: «کاش نقش یکی از سربازان حضرت علی(ع) را بازی می‌کردی.» با این حال مبارکه برای نشان دادن مظلومیت امام‌علی(ع) با تمرکز بر روی نقشش، توانست حسی را که باید، به مخاطب منتقل کند و ماندگارترین حضورش در تلویزیون را رقم بزند.

همدلی برای به ثمر نشستن تلاش‌ها

اگر بخواهیم نگاهی به خاطرات دیگر بازیگران سریال امام‌علی(ع) بیندازیم، می‌توانیم به خاطره عنایت بخشی، بازیگر باسابقه سینما و تلویزیون، از این سریال اشاره کنیم. او که در این سریال در نقش ابن‌ذهب، سرکرده نهروانی‌ها، ظاهر شده بود، از دشواری ایجادشده برایش در بیان دیالوگی علیه مولا علی(ع) گفته است: «یادم می‌آید در سریال، من دیالوگی علیه مولا داشتم که هرگز نمی‌توانستم آن را ادا کنم. جمله این بود «ما به روی علی شمشیر خواهیم کشید». این مسئله را با داوود میرباقری درمیان گذاشتم. او مرا در آغوش کشید. دلداری‌ام داد و گفت چاره‌ای نیست؛ تو بازیگری و باید این جمله را به نحو احسن ادا کنی.»

دیگر بازیگری که ایفای نقشی منفی را در این فیلم برعهده داشت، مرحوم مهدی فتحی بود. او نقش عمروعاص را بازی کرد و درباره ایفای این نقش گفته بود: «گاهی اوقات خودم از رفتارهای این شخصیت، اذیت می‌شدم.»

فتحی علاوه‌بر نقش عمروعاص، بازی در نقش امام‌علی(ع) را در سکانس‌هایی که از پشت یا اینسرت (بسته دست‌ها یا پاها) فیلم‌برداری شده بود، برعهده داشت. از دیگر بازیگران این سریال می‌توان به محمدرضا شریفی‌نیا در نقش ولیدبن‌عقبه، سیروس گرجستانی در نقش اباقطام، اصغر همت در نقش مروان‌بن‌حکم، پرویز پرستویی در نقش محمدبن‌ابوبکر، جمشید مشایخی در نقش عبدا... بن‌مسعود، داوود رشیدی در نقش حکیم‌بن‌جبل‌عبدی، اکبر عبدی در نقش هرقل رومی (مترجم سفیر دربار روم)، پروانه معصومی در نقش هاجر (همسر مالک اشتر)، شهره لرستانی در نقش مریم بنت‌عثمان (همسر مروان و دختر عثمان) و آزیتا حاجیان در نقش کنیز رومی اشاره کرد.

اما به گفته بیشتر این بازیگران، آنچه این سریال را ماندگار کرد، عشق به امام‌علی(ع) و همدلی بازیگران بود، همان‌طور که بهزاد فراهانی، بازیگر نقش معاویه، در گفت‌وگویی که با خبرگزاری مهر در سال ۹۲ داشت، از دستمزد ماهیانه کمتر از ۱۰۰ هزار تومانی خود و مهدی فتحی یاد کرده و گفته بود: «اگر سریال امام‌علی(ع) در تلویزیون ماندگار شد، به‌دلیل حُسن نیتی بود که عوامل تولید این کار داشتند و درواقع عشق تک‌تک افراد به حضرت علی(ع)، باعث شد در شرایط تولید آن روز با حداقل دستمزد کنار هم کار کنیم.»

هدفمان پول و پست نبود

تهیه‌کننده سریال امام علی هم که خودش حشر و نشری با تاریخ داشته و دارد پابه‌پای میرباقری در بررسی متون تاریخی و نگارش فیلمنامه پیش می‌رفته. تا جایی که مطالعه بخش‌های عربی بر عهده محمد بیک‌زاده بوده است. او هم که ساخت این سریال را آرزو داشته هرچه توانسته برای بهبود کار تلاش کرده است.

بر اساس آنچه که بیک‌زاده، اخیرا به خبرآنلاین گفته است این سریال با ۲۶۹ میلیون تومان ساخته شده است. با احتساب ارزش این روزهای ریال چیزی نزدیک به ۱۰ میلیارد تومان می‌شود که برای ساخت سریالی با این قدرت و قوت ناچیز است. این درحالی است که در همان دوران سریال «تنهاترین سردار» -که زندگی امام حسن مجتبی (ع) را روایت می‌کرد- به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده با بودجه ۲ میلیاردی (۶۷ میلیارد تومان با ارزش ریالی امروز) تولید شد و هرگز به پای سریال امام علی (ع) نرسید. همچنان که بیک‌زاده، در مصاحبه یاد شده گفته: «[این سریال را] صادقانه و باعلاقه ساختیم و هدفمان پول و پست نبود. خواستیم علی را بسازیم و مرد تاریخ را ساختیم.»

موسیقی ماندگار در ذهن‌ها

موسیقی سریال امام‌علی(ع) را باید یکی از بخش‌های به‌یادماندنی آن دانست؛ موسیقی‌ای که بارها به آن گوش سپردیم و بعد از گذشت بیش از ۲۵ سال از ساخت آن همچنان با به میان آمدن نام سریال، می‌توانیم آن را در ذهنمان مرور کنیم. آهنگ‌سازی دل‌نشین فرهاد فخرالدینی و ترکیب سازهای سنتی از جمله نی و دف از یک طرف و اجرای زیبای تصنیف آن توسط صدیق تعریف از سوی دیگر، موسیقی این سریال را در رده بهترین موسیقی‌های تاریخ سریال‌سازی در تلویزیون قرار داده است که حاصل سال‌ها تلاش و پژوهش فرهاد فخرالدینی است. او با ۳۰ سال مطالعه بر روی شیوه آوانگاری عبدالقادر مراغه‌ای و بررسی آثاری چون «مقاصدالحان» و «جامع‌الحان» که ۶۰۰ سال پیش با حروف ابجد تدوین شده‌اند، توانست یکی از سروده‌های عبدالقادر مراغه‌ای و قدیمی‌ترین آهنگ موسیقی ایرانی را رمزگشایی و از آن برای موسیقی سریال امام‌علی(ع) استفاده کند. درنهایت این آهنگ به‌عنوان موسیقی تیتراژ سریال امام‌علی(ع) با شعری که بیت‌های فارسی‌اش، ترجمه همان بیت‌های عربی سروده عبدالقادر مراغه‌ای است، اجرا شد؛ شعری که با اجرای خوب صدیق تعریف، مفاهیم بسیاری را به مخاطب منتقل می‌کرد.

فرهاد فخرالدینی در گفت‌وگویی با مهر، درباره ساخت موسیقی این سریال گفته است: «من موسیقی سریال «امام‌علی(ع)» را به این سادگی ننوشتم. من برای پلان‌به‌پلان سریال به معنا و مفهوم مطلق کلمه، خودم را محل حادثه قرار می‌دادم و این حس را با حس درونی خودم تلفیق می‌کردم تا بتوانم براساس این تکنیک، بهترین نتیجه را دریافت کنم.» شاید مهم‌ترین نکته در ماندگاری موسیقی سریال امام‌علی(ع) را بتوان همین صحبت فخرالدینی دانست؛ «در محل حادثه قرار گرفتن آهنگ‌ساز».

*برگرفته از شعر عبدالقادر مراغه‌ای

قاب خاطره

چندنما از سریال «امام‌علی(ع)»

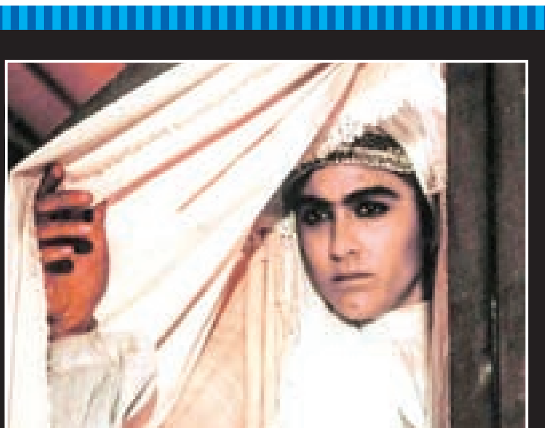
ویشکا آسایش در نقش «قطام»

بهزاد فراهانی در نقش «معاویه»، فرهاد اصلانی در نقش «یزید» و داریوش ارجمند در نقش «مالک اشتر»

مهراوه شریفی‌نیا در نقش کودکی «قطام» و سیروس گرجستانی در نقش پدرش

داریوش ارجمند در نقش «مالک اشتر» و سعید نیک‌پور در نقش «عمار یاسر»

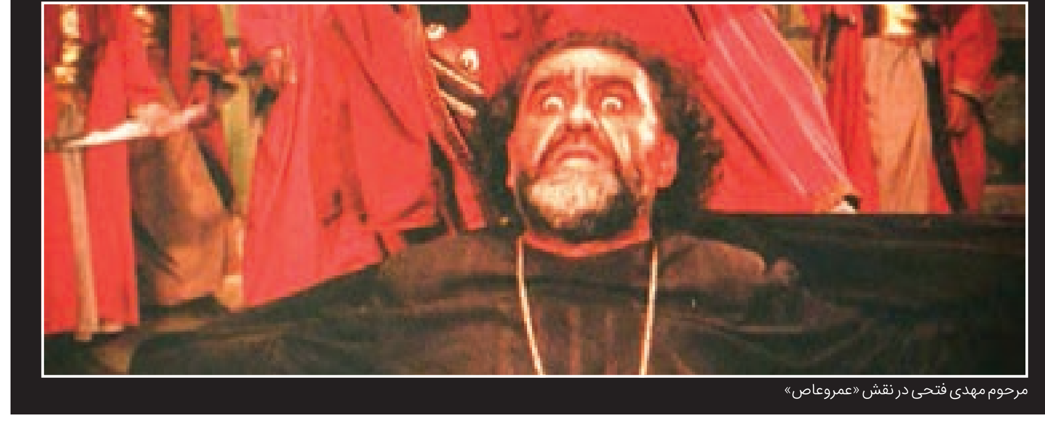
مرحوم مهدی فتحی در نقش «عمروعاص»

اکبر سنگی در نقش «عبدا...بن زبیر» و اصغر همت در نقش «مروان ابن حکم»

انوشیروان ارجمند در نقش «اشعث بن قیس»

مرثیه‌ای برای بولواری که هنوز زنده است

به بهانهٔ اکران مستند «قصه‌ی بولوار» در گروه هنر و تجربه

زندگی با سینما

امیر خضرایی‌منش| در کشورهایی چون ما که به اصطلاح «در حال توسعه»ایم چهرهٔ شهرها مدام در حال نو به نو شدن است. تغییرات به قدری برق‌آسا و هولناک است که هر فردی از هر نسلی، حتی ممکن است دیگر چیزی از شهر کودکی‌هایش در شهر امروز نیابد. چنین شهری محتاج راویانی است تا کیفیت هر روز گم‌شونده‌اش را ثبت و ممهور، و البته دشوارتر از آن، تپندگی و زندگی‌اش را روایت کنند. برای تقریب به ذهن شاید بد نباشد مثالی حیّ و حاضر را احضار کنیم، بولوار ملک‌آباد مشهد.

نگارنده در شمار آخرین نسلی است که در کودکیشان خاطره‌ای از آن ملک‌آبادِ قدیم ثبت‌شده، با درختان انبوه سربهم‌آورده‌اش که در آفتابی‌ترین روزهای تابستان هم سایه‌ساری در گذر شهری بود. سواری‌ها که از فلکهٔ پارک وارد بولوار می‌شدند انگار به یک دالان سایه وارد می‌شدند و تماشای تصویر متحرک درختان بر شیشهٔ جلو سواری، یک بازیِ همیشه برای کودکِ آن سال‌ها بود.

بی‌خبرم که آن کیفیتِ امروزْ غایب، در تصاویری حرفه‌ای ثبت و ضبط شده است یا نه، اما هرچه هست امروز بارقه‌ای بسیار کمرنگ از حساسیت در افق پدیدار شده. گویا حالا افراد بیشتری به کیفیت زیستی شهر اهمیت می‌دهند و گرایش به مستندسازی وجوه مختلف حیات شهری هم رشد چشمگیری داشته.

بر چنین بستری است که خبر ساخت مستندی دربارهٔ بولوار کشاورز تهران (یکی از زیباترین و مهم‌ترین بولوارهای کشورمان، از دیروز تا به امروز) شوقی می‌انگیزد و آدم را به سینما می‌کشاند، اما «قصه‌ی بولوار» (داود اشرفی، ۱۳۹۶) خیلی زود این شوق را نقش بر آب می‌کند. ایراد کار در ساخت اثر و نماهای مبتدیانه، یا گفتار متن ضعیف و آزارنده‌اش نیست (از اینها می‌شد با اغماض و به نفع چیزی بزرگ‌تر چشم پوشید)؛ مشکل اینجاست که هرچند به‌ظاهر با مستندی دربارهٔ بولوار کشاورز روبه‌رو می‌شویم، در واقع خودِ بولوار کشاورز اهمیتی برای مستند ندارد. اثر با ردیف کردن مجموعه‌ای از مواد آرشیوی، که اگر هم جذابیتی دارند مربوط به کیفیت آرشیوی خودشان است و نه هم‌نشینی و تدوین دوباره‌شان در فیلم، و به دست دادن سیر تندگذری از وقایع تاریخی از دوران قاجار تا به امروز، صرفاً به دنبال انگاره‌ای از رمانتیسم انقلابیِ مارکسیسم مبتذل است و بولوار برایش یکسر خلاصه می‌شود در اینکه چه زمان‌هایی مردم آن را «فتح» کرده‌اند، به عبارت ساده‌تر کِی به کف خیابان ریخته‌اند. هر وقت به چنین اتفاقی نزدیک شده‌ایم بولوار خوب است و هر وقت دور شده‌ایم، بد. نه خبری از معنای بولوار در زیست روزمرّهٔ شهری هست و نه خبری از خاطره‌پذیری عمیق آن از دیروز تا به امروز (خاطره‌پذیری در حیات عمومی مردم، نه خاطرهٔ میتینگ‌های سیاسی).

اما مستند حتی در همین نگاه هم شدیداً نحیف و کم‌مایه است. گویا اگر مراد فرهادپور کتاب «تجربهٔ مدرنیتهٔ» مارشال برمن را به فارسی ترجمه نمی‌کرد، بخش عمده‌ای از تولیدات فکری به‌اصطلاح چپ و مطالعات فرهنگی‌وار و شهری ما در دو دههٔ اخیر هیچ حرفی برای گفتن نمی‌داشتند. در پس پشت «قصهٔ بولوار» تنها برداشتی تُنُک‌مایه از برخی تعاریف انقلابی مارشال برمن از بولوار نشسته است. البته ماجرا برای برمن به این سادگی نبوده و روایت او از بولوار بسیار پیچیده‌تر از این حرف‌هاست، برای مثال ببینید که او چطور در فصل مربوط به بولوار نِوسکی و بازخوانی «یادداشت‌های زیرزمینی» داستایفسکی، نقش فردیت و حیات ذهنی را نیز در شکل‌دهی به بولوار برجسته می‌کند. نگاه محدود، بسته، و ابزاریِ فیلم به بولوار در واقع آن روی سکّهٔ برخورد مدیران و دولتمردان ما به شهر است و میان آن دو تفاوت ماهوی در کار نیست. هر دو شهر را صرفاً برای چیزی دیگر می‌خواهند و دست بر قضا ــ بر خلاف ظاهر ــ موجودیتی فی‌نفسه برایش قائل نیستند. از همین است که فیلمساز با درج تاریخ ۱۳۸۸ در پای نام «بولوار» آنرا «مرحوم» هم می‌کند تا مگر یک روز دیگر که باز شورشی باشد «زنده» محسوبش کند.

اکران فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی در سالروز شهادت امام‌علی(ع)

فیلم‌های سینمایی، تلویزیونی و پویانمایی‌های گوناگونی دوشنبه ۶ خرداد هم‌زمان با شهادت امیرالمومنین، علی(ع)، از شبکه‌های سیما روی آنتن می‌رود. فیلم سینمایی «امام‌علی(ع)» به کارگردانی داوود میرباقری، ساعت ۹ و فیلم تلویزیونی «حبیب» به کارگردانی داریوش یاری، ساعت ۱۶ از شبکه یک سیما پخش می‌شود. فیلم تلویزیونی «مثل من، مثل تو (قدر آن روزها)» به کارگردانی شیرین باباپور، ساعت ۸ و فیلم سینمایی «چراغ‌های ناتمام» به کارگردانی مصطفی سلطانی، ساعت ۱۶:۴۵ از شبکه ۲ سیما به روی آنتن خواهند رفت. شبکه ۳ سیما نیز فیلم سینمایی «مردی شبیه باران» را به کارگردانی سعید سهیلی به روی آنتن می‌برد. فیلم تلویزیونی «جاده» به کارگردانی مجید اسماعیلی پارسا، هم ساعت ۱۳:۳۰ از شبکه شما پخش خواهد شد. همچنین پویانمایی سینمایی «سربازان کوچک» به کارگردانی کیانوش دالوند، ساعت ۱۴ از شبکه کودک پخش می‌شود. فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی «تحول هِنری» و «ماهورا» به کارگردانی حمید زرگرنژاد، «رمز بیگانه»، «آتشفشان»، «مردان دریایی» و «اتوبوس شب» به کارگردانی کیومرث پوراحمد و «چراغ‌های ناتمام» به کارگردانی مصطفی سلطانی از دیگر فیلم‌هایی هستند که به ترتیب در ساعات ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۳ از شبکه نمایش روی آنتن می‌روند.

جمشید گرگین:
برنامه‌های تلویزیون اکنون به هیچ وجه جریان‌ساز نیستند و فقط آنتن پُرکن شده‌اند. در گذشته زمانی که ما راجع به سینما برنامه می‌ساختیم، نه به کسی توهین می‌کردیم و نه سعی داشتیم با این فن بسیار کهنه و نخ‌نمای تعارض و تهاجم، مخاطب جذب کنیم.

صاحب خبر

۱ ۳۲ اثر در سومین دوسالانه مجسمه‌های شهری مشهد منتخب شدند

نتایج داوری و اسامی هنرمندان راه‌یافته به نمایشگاه سومین دوسالانه مجسمه‌های شهری مشهد مشخص شد. داوری این دوسالانه در دو مرحله صورت گرفت که براین اساس در مرحله اول از ۱۱۰ شرکت‌کننده ۵۹ اثر به مرحله دوم راه یافتند و پس از بازبینی نهایی در مرحله دوم، ۳۲ نفر برای ارائه آثارشان در نمایشگاه سومین دوسالانه مجسمه‌های شهری انتخاب شدند. راه‌یافتگان به نمایشگاه باید ماکت اثر خود را تا پنجم تیر ماه به انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران یا خانه هنرمندان مشهد تحویل دهند.

۲ انتشار فراخوان نقوش ماندگار شهری

فراخوان نقوش ماندگار شهری به همت سازمان اجتماعی فرهنگی شهرداری مشهد منتشر شد.

براساس این فراخوان از هنرمندان دعوت به عمل می‌آید تا با مراجعه حضوری به دبیرخانه و یا ارسال پستی، آثار خود را حداکثر تا تاریخ ۱۸ خرداد سال جاری به دبیرخانه جشنواره واقع در خیابان کوهسنگی، انتهای خیابان شهید بهشتی، خانه هنرمندان مشهد تحویل دهند. و یا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۸۴۱۳۹۰۰ تماس بگیرند.